



گفت‌وگو با محمد یعقوبی، نویسنده و کارگردان

تئاتر جایی برای حسرت خوردن نیست

رضا آشفته

اگر بخواهیم 10 هنرمند تئاتر پس از انقلاب را انتخاب کنیم، بی‌تردید محمد یعقوبی یکی از آنهاست؛ کارگردانی که همواره سعی کرده در تئاتر ایران منشأ تحول و دگرگونی باشد؛ چه در دنیای متن و درام‌نویسی و چه در زمینه اجرا و کارگردانی. بنابراین شاید این خود تنها دلیلی موجه باشد برای اینکه همچنان مخاطب داشته باشد و حتی در بازتولید آثارش نیز این توجه و حمایت مردمی همچنان برقرار بماند. نمایش «ماه در آب» که کمپانی تئاتر باران تهیه‌کنندگی آن را برعهده دارد، با بازی آیدا کیخایی، ناهید مسلمی، مهدی کوشکی، فهیمه امن‌زاده، پدram شریفی، علی سرابی، باران وقارکاشانی، آهو شاهسون و با صدای مارال بنی‌آدم از ۲۳ آبان روی صحنه می‌رود. جدیدترین اثر یعقوبی به‌دلیل استقبال مخاطبان در پیش‌فروش؛ در روزهای پایانی هفته در دو سانس ۱۸:۳۰ و ۲۰:۳۰ روی صحنه می‌رود.

برای دومین بار است که نمایش‌نامه «ماه در آب» را کار می‌کنید، بنابر چه ضرورتی اصرار بر بازتولید آثارتان دارید؟

اجرای ماه در آب در ادامه بازآفرینی کارهای گذشته‌ام است. از آنجا که در سال ۸۹ برخورد بسیار تلخی با اجرای «نوشتن در تاریکی» شد، من از سال ۹۰ بازتولید آثارم را شروع کردم. «زمستان ۶۶» اولین اثری بود که بازنویسی و دوباره اجراش کردم. با این پرسش اجرای دوباره کارهایم را شروع کردم: آیا نمایش‌نامه‌های ایرانی یک‌بار مصرفند یا همچنان ارزش اجرا دارند؟ اجرای دوباره نمایش‌نامه‌هایم را سال‌ها پیش در برنامه کارهای آینده‌ام گنجانده بودم. دلیلش هم این بود که هر بار کاری اجرا می‌کردیم با وجود استقبال و سالن پر از تماشاگر، ناگزیر بودیم پس از 20 تا 30 اجرا سالن را به گروه دیگری بدهیم که در صف انتظار برای اجرا بود، این رنج‌آور بود ولی چاره‌ای هم نبود. مدیران تئاتر شهر که در گذشته تئاترهایمان را در آنجا اجرا می‌کردیم برایشان فرقی نمی‌کرد چه کاری در سالن‌هایشان اجرا شود، فقط ناگزیر بودند به همه فرصت اجرا بدهند. ما حتی در اجرای دوم «زمستان ۶۶» در تئاتر شهر در سال ۹۰ با وجود شصت اجرا هنوز می‌توانستیم به اجرا ادامه بدهیم و تماشاگر داشتیم ولی چون گروهی دیگر منتظر اجرا در آن سالن بودند ناگزیر شدیم سالن را خالی کنیم. وقتی اجرای دوباره «زمستان ۶۶» را در تئاتر شهر شروع کردیم، عده‌ای از تئاتری‌ها هم اعتراض کردند که تئاتر شهر نباید به اجرای دوباره یک تئاتر اختصاص داده شود. خوشبختانه حالا دیگر

تعدادی سالن خصوصی در تهران وجود دارد که می‌توانم دوباره کارهایم را در این سالن‌ها اجرا کنم. فکر هم نکنم دیگر کسی اعتراض به اجرای دوباره این کارهایم داشته باشد چون بیشتر آن معترضان چند سال بعد کارهای خودشان را بازتولید کردند. حالا با وجود سالن‌های خصوصی در تهران، بدون نگرانی تمام کارهایم را دوباره اجرا خواهم کرد و تا زمانی که بدانم کارهایم تماشاگر دارند ادامه خواهم داد. اجرای دوباره کارهایم فرصتی است برای من تا نمایش‌نامه‌هایم را بازنویسی و متفاوت با گذشته اجرا کنم. ماه در آب که این بار اجرا خواهیم کرد، با متن 10 سال پیش در جزئیات تفاوت دارد. طراحی صحنه آن کاملاً با اجرای قبلی متفاوت است. در اجرای قبلی، طراح صحنه منوچهر شجاع بود، این بار امیرحسین دوانی طراح صحنه کار ماست که طرح بسیار متفاوت با طرح منوچهر شجاع است. همچنین برخی از بازیگران در اجرای فعلی حضور ندارند و کارگردانی هم با اجرای گذشته فرق دارد. چون من دیگر همان آدم 10 سال پیش نیستم.

مخالفتان بازتولید گفته‌اند که این نمایش‌نامه‌نویسان و کارگردانی که موافق بازتولید هستند، دیگر ایده و حرفی نو برای گفتن ندارند و مجبورند خود را تکرار کنند؟

بیا فرض کنیم که این مخالفتان درست بگویند، خوب که چه؟! بر فرض که ما می‌خواهیم همان کار گذشته را بدون هیچ تغییری اجرا کنیم؟ چه کسی می‌تواند با اعتمادبه‌نفس بگوید این نادرست است؟ اگر اشتباه کنیم دودش به چشم خودمان می‌رود. آنها چرا دلواپسند؟ بهتر نیست هرکس کار خودش را بکند. آن مخالفتان اگر نمایش‌نامه‌نویس یا کارگردان هستند کارهای نو خودشان را اجرا کنند، ما را هم به حال خود بگذارند که کار خودمان را بکنیم. اگر هم این مخالفتان جمعی از نقدنویسان یا تماشاگران تأثیر هستند که در گذشته کارمان را تماشا کرده‌اند، اینها می‌توانند به تماشای دوباره کارهای ما ننشینند. ما نمایش‌هایمان را برای آنهایی که در گذشته کارمان را تماشا کرده‌اند اجرا نمی‌کنیم. هدف ما جذب کسانی است که به هر دلیلی در گذشته نمایشمان را تماشا نکرده‌اند. البته خوشحال می‌شوم که کسانی دوباره پس از 10 سال به تماشای ماه در آب بیایند، ولی ما برای خودمان و برای کسانی که کارمان را در گذشته ندیده‌اند اجرا می‌کنیم. همان‌طور که گفتم، اجرای دوباره کارهایم فرصتی است برای من که با نگاهی دیگر کارهایم را بازنویسی و دوباره اجرا کنم.

این تغییر در متن، بازیگری و طراحی چقدر می‌تواند با آنچه بازتولید تعریف خواهد شد همخوانی داشته باشد؟

فراتر از هم‌خوانی است. همان‌طور که گفتم، این اجرا با اجرای گذشته در طراحی صحنه فرقی اساسی دارد و در متن هم تغییرات جزئی‌نگرانه و برخی بازیگران هم تغییر کرده‌اند، اما اگر هیچ ایده‌ای برای تغییر هم نداشتم باز هم ماه در آب را اجرا می‌کردم. بازتولید در ساده‌ترین شکلش یعنی اجرا بدون هیچ‌گونه تغییری. باین‌همه تاکنون هیچ‌کدام از اجراهای دوباره کارهایم مثل اجرای پیشین نبوده. اجرای دوباره همیشه تاکنون فرصتی بوده برای بازنگری و نقد گذشته خودم در نگارش و کارگردانی. به نظرم آنهایی که بازتولید نمی‌کنند، اگر کارشان ارزش اجرای دوباره دارد اشتباه بزرگی می‌کنند.

بنابراین شما از جمله هنرمندان معتقد به نقد هستید؟

«زمستان ۶۶» نشان داد که بلدم خودم را نقد کنم، البته متن‌هایم تغییر ماهیتی نمی‌کنند ولی تغییر در جزئیات مهم است. وقتی بازتولید هر کاری را شروع می‌کنم، از تماشای فیلم اجرای قبلی آن کار پرهیز می‌کنم و خودم را در معرض این آزمون می‌گذارم که حالا چه خواهم کرد. خوشبختانه حافظه خوبی ندارم که جزئیات کارهای قبلی را به یاد آورم. با خودم فرض می‌کنم اولین بار است که می‌خواهم کارگردانی کنم.

این تلاش دوباره برای کارگردانی برایم لذت بخش است. تنها چیزی که از اجرای گذشته دارم و براساس آن تمرین را شروع می‌کنم، متن است که آن را هم در تمرین و گاهی وقت‌ها پیش از آغاز تمرین بازنویسی می‌کنم. در دو، سه روز پیش از اجرای دوباره هر کار، فیلم کار گذشته را تماشا می‌کنم تا ببینم اگر لحظه خاصی بوده که در گذشته بهتر درآمده، از آن استفاده کنم. فیلم اجرای قبلی ماه در آب را یکی، دو روز پیش دیدم.

در نمایش «ماه در آب» تغییرات در چه حد است؟

مثلا شخصیت آلمان در متن قبلا اینطور بود که شوهرش ترکش می‌کند اما در این اجرا آلمان شوهرش را ترک می‌کند. این متن قبلا چاپ شده و حالا من می‌توانم بازنویسی آن را چاپ کنم و حتی امکان دارد 10 سال بعد اگر دوباره آن را کار کردم، نسخه سومی از آن را چاپ کنم. این فرق مهم تئاتر با فیلم است و امتیاز تئاتر همین است که تا وقتی زنده‌ای، فرصت بازنگری داری. فیلم یک بار ساخته می‌شود و بعد ممکن است کارگردان حسرت بخورد کاش فلان سکانس را جور دیگری می‌ساخت، کاش فلان نما را جوری دیگر می‌گرفت، کاش فلان بازیگر در کارش بازی می‌کرد. فیلم‌نامه‌نویس ممکن است حسرت بخورد کاش فلان سکانس را جوری دیگر می‌نوشت یا... در تئاتر جایی برای این حسرت‌ها نیست. می‌توان دوباره اجراش کرد؛ می‌توان بازنگری کرد.

شما همین چند روز پیش هم نمایش مرد بالشی را در باران کار کردید؛ اینها هنرمندانی ایرانی مقیم کانادا بودند؟

بله آنها در کانادا زندگی می‌کنند. دو نفرشان سیاوش شعبان‌پور و پوریا روحانی‌فرد، فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های تئاتر کانادا هستند و دو نفر دیگر یکی مهندس هوافضا و یکی هم مهندس مکانیک است که این آخری محمدخلج معصومی شاگرد آیدا در کلاس‌اش در کانادا بود. ما نمی‌خواستیم به این زودی‌ها مرد بالشی را دوباره اجرا کنیم ولی از طرف فستیوال بین‌المللی نمایش‌نامه‌های مک‌دونالد در روسیه دعوت شدیم برای اجرا. به بازیگران اجرای قبلی پیغام دادیم ولی پیام ده‌کردی و یکی دیگر از بازیگران وقت نداشتند برای تمرین و اجرا در روسیه. فکر کردم پس با بازیگران ایرانی مقیم در تورنتو تمرین کنیم و برویم روسیه. آن فستیوال هزینه بلیت ما را از ایران به روسیه می‌پرداخت. بازیگران کار پذیرفتند هزینه هواپیمای خود را از کانادا به ایران خودشان بپردازند و من و آیدا فکر کردیم خوب است دو هفته هم در ایران اجرا کنیم تا هم بازیگران جدید فرصت کنند برای نشان‌دادن توانایی خودشان، هم بخشی از هزینه هواپیمای آنها با فروش اجرا در ایران تأمین شود.

با توجه به در دسترس بودن فیلم تئاتر مرد بالشی از اجرای اولتان، این تأثیری در فروش بازتولیدتان داشت؟

اول بگویم که با این نحوه تولید و فروش فیلم تئاتر مخالف هستم با آنکه فیلم‌ها فروش می‌رود ولی هیچ دستمزدی تاکنون از فیلم مرد بالشی و شام با دوستان به ما پرداخت نشده و این مشکلی است که تماشاخانه ایرانشهر ایجاد کرده و مدیر فعلی نمی‌تواند ادعا کند این مشکل مدیر قبلی بود. ما ایران‌شهر را طرف قرارداد می‌شناسیم نه مدیر قبلی را. دیگر اجازه نخواهم داد که تئاترهایمان فیلم‌برداری و منتشر شود. با آنکه خشکسالی و دروغ چندین بار تیراژ داشته اما فقط یک بار مبلغ ناچیزی برای تیراژ دوم به ما پرداخت شده همین. فیلم اجرای قبلی مرد بالشی بدون شک تأثیری منفی در تعداد تماشاگران اجرای دوباره ما گذاشت. باعث شد بیش‌تر از ده شب نتوانیم مرد بالشی را اجرا کنیم. البته در همین ده شب جز یکی، دو شب سالن

پر از تماشاگر بود. به هر حال در همین حد هم یک تجربه خوب بود چون بازیگران مشتاق بودند کارشان در میان هم‌زبانان دیده بشود که شد.

به هر تقدیر بُردهایی هم در زمینه‌های مختلف از جمله بازیگری داشته‌اید...

بله. همین‌که بازیگران دیگری ایفای نقش کرده‌اند فضای متفاوتی در کار ایجاد شده. بر همین اساس کارگردانی ما هم با اجرای سال ۹۲ فرقی‌هایی داشت. همان‌طور که گفتم این امتیاز تئاتر در قیاس با سینماست. هزاران نفر تاکنون هملت را بازی کرده‌اند و پس از این هم بازی خواهند کرد. این جذابیت تئاتر است.

با فیلم خشکسالی و دروغ چقدر موافق هستید؟

من هنوز فیلم را ندیده‌ام اما با توجه به شنیده‌ها و اینکه بی‌دلیل موجه هنری پانزده دقیقه در زمان تدوین از آن کوتاه شده است نتیجه نمی‌تواند دل‌خواه من باشد. زمانی که در ایران بودم، از فیلم ۱۲۰ دقیقه‌ای، پانزده دقیقه با موافقت من کوتاه شد ولی بعد از رفتنم به کانادا پانزده دقیقه دیگر بدون اجازه من کم شده که ربطی به سانسور ندارد، دلیل هنری هم ندارد. فقط از ترس اینکه مبدا تماشاگر خسته شود و اینکه سینماداران ترجیح می‌دهند فیلم ۹۰ دقیقه باشد تا تعداد بیشتری نوبت اکران داشته باشند، ۱۵ دقیقه از فیلم کم شده. اینها دلیل هنری نیست و باج‌دهی به مردم یا سینماداران است که در کل به اثر هنری لطمه می‌زند.

آیا نمایش «خشکسالی و دروغ» را باز هم کار می‌کنید؟

بله چون این فیلم نتوانسته نظر من فیلم‌نامه‌نویس را تأمین کند و حس می‌کنم این فیلم تصویر ناقصی از فیلم‌نامه من است. شاید علاوه بر اجرای آن، فیلم‌نامه‌خوانی برگزار کنم. چون سکانس‌هایی در فیلم‌نامه بوده که در نمایش‌نامه نیست و در فیلم حذف شده. به هر حال بعید می‌دانم فیلم مهمی شده باشد. این مشکل سینماست. به تیتراژ پایانی برخی فیلم‌ها نگاه کنید؛ نام بازیگرانی را در فیلم خواهید دید که در فیلم آنها را ندیده‌اید. این اشکال سینماست که جنبه هنری سینما را مخدوش می‌کند. من حتی از فیلم تئاتر خشکسالی و دروغ هم راضی نیستم. نابغه‌ای که این فیلم تئاتر را آماده کرده، بدون اجازه من صداهای ذهنی شخصیت‌ها را در تاریکی حذف کرده و لابد فکر کرده لزومی ندارد صداها در سیاهی تصویر شنیده شوند. این نابغه حتی به خودش زحمت نداده فکر کند با چه ترفندی می‌توان این صداها را تصویری کرد؟ فقط به حذف آنها فکر کرده است. من همان زمان به مدیر ایران‌شهر نامه نوشتم و خواستم صداها به فیلم تئاتر افزوده شود. با آنکه فیلم تئاتر مورد اقبال عمومی واقع شده، اما گویای اجرای ما نیست.

http://sharghdaily.ir/?News_Id=107643